علوم اسلامی انسانی، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۸، ص ۱۵۰- ۱۳۱

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

مجله علمی علوم اسلامی انسانی (سال پنجم)
شماره ۱۷/ بهار ۱۳۹۸ / ص ۱۵۰- ۱۳۱

اسکان غیررسمی و راهبردهای مواجهه با آن در کلانشهر تبریز (مطالعه موردی: منطقه ۱ و ۱۰ تبریز)

سارا موسوی[۱]

نویسنده مسئول:
سارا موسوی

چکیده

جهان به سرعت در حال گسترش زندگی شهری است. در حال حاضر، سرعت رشد شهرنشینی در کشورهای درحال‌توسعه، بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته است. در ایران نیز شهرنشینی با روندی سریع و شتابان همراه بوده و این رشد شتابان، مسائل و معضلات زیادی برای شهرهای بزرگ ایران (بویژه شهر تبریز) بدنبال داشته‌است. در این پایان‌نامه پدیده اسکان غیررسمی درمنطقه یک و۱۰ واقع در شمال تبریز مورد بررسی قرار گرفته، برای جمع‌آوری اطلاعات در ابتدا از روش تحقیق کتابخانه‌ای استفاده شد و بعد از به دست آوردن اطلاعات پایه‌ای، با کمک‌گیری از روش تحقیق میدانی و پیمایشی و بازدید مستقیم از محله‌های مورد نظر و صحبت با افراد ساکن در آن محلات و نیز برخی از مسئولان و استفاده از پرسشنامه‌های مرتبط با موضوع، نتایج حاصله در پایان‌نامه آمده‌است.

از دلایل بسیار مهم حاشیه‌نشینی در شهر تبریز می توان به بیکاری، درآمد کم، پایین بودن اجاره بهای مسکن و مهاجرت گسترده از محیط‌های شهری کوچک و روستاهای استان اشاره کرد، که ناشی از عوامل اقتصادی (جاذبه‌های اقتصادی شهر تبریز و دافعه‌های اقتصادی شهرها و روستاهای اطراف) و دافعه های اجتماعی – فرهنگی در محل سکونت قبلی بوده است. و این امر موجب بروز انواع ناهنجاری ها ی شهری شده است. همچنین عدم توجه کافی سازمان‌های متولی زمین‌شهری به مناطق حاشیه‌نشین از دیگر موارد مهمی بوده که در توسعه مناطق حاشیه‌نشین شهر نقش جدی ایفا کرده‌است. حاشیه‌نشینان شمال تبریز، در زمینهای غیرقابل استفاده و ناهنجار کنار شهر، در مجاورت مسیلها و کانالهای فاضلاب، در محلهای تخلیه و تجمع زباله، در زمینهای ناهموار، روی تپه ها، در پایکوه و در روی خط گسل و در بدترین شرایط زیست‌محیطی مستقر شده و اسکان یافته‌اند.

کلمات کلیدی: اسکان غیررسمی، حاشیه‌نشینان تبریز، جاذبه‌های شهری، مهاجرت، شهرنشینی، شهرتبریز.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

مقدمه

حاشیه‌نشینی، آلونک نشینی، اسکان غیررسمی، حلبی آباد و نظایر آن اسامی مختلفی است که بر یکی از پیامدهای توسعه شتاب‌زده و بی‌برنامه در جوامع در حال توسعه اطلاق می‌شود. هر چند هسته اولیه شکل‌گیری این مناطق، به مهاجرین روستایی که از درآمد اندک کشاورزی دست بریده و به امید درآمد بالاتر به شهرها سرازیر شده‌اند، تعلق دارد، اما در مراحل بعد مأمنی برای سکونت فقرای شهری به حساب می‌آیند. به عبارت دیگر، پس از شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین، جابجایی‌های نسبتا قابل توجهی صورت می گیرد. بسیاری از روستائیانی که موجد این مکانها بودند، با بهبود وضعیت زندگی به شهر وارد می‌شوند و برخی از فقرای شهری در اثر فشار اقتصادی از شهر به حاشیه رانده شده و در این مناطق سکنی می‌گزینند. این معضل، چهره و سیمای شهرها را ناهمگون می سازد. دوگانگی را در جامعه شهری تشدید می‌کند، شیب طبقاتی را دامن می‌زند و بسیاری از مشکلات دیگر را موجب می‌گردد. (مشهدی‌زاده دهاقانی .۱۳۸۳ . ص۱۱۸) کلانشهر تبریز به عنوان یکی از شهرهای بزرگ ایران، با این چالش دست به گریبان است. هر چند قدمت این مشکل در تبریز بالغ بر نیم قرن می باشد، اما این امر روز به روز در حال گسترش است. نقش تبریز به عنوان ولیعهد نشین در دورانی از تاریخ ایران و ضرورت داشتن جواز ورود به شهر (ویزا) در شکل‌گیری بسیار زودتر معضل حاشیه‌نشینی در تبریز موثر بوده است. به عبارت دیگر، حاشیه‌نشینی تبریز تنها ناشی از توسعه صنعتی تبریز نبوده و از نظر قدمت به بیش از تاریخ صنعتی تبریز بر می‌گردد. نظیر محله حاشیه نشین سیلاب قوشخانه که قدمت تاریخی دارد و از محلات شناخته شده تبریز در قیام ستارخان و باقرخان محسوب می‌شود.

بیان مسئله

در حال حاضر حاشیه‌نشینی از جمله مسائل و چالش‌های مهم نظام شهرسازی کشور محسوب می‌شود. حاشیه‌نشینی نوعی از شیوه زندگی است که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی و عشایری متفاوت بوده و با ویژگی های اقتصادی و اجتماعی مخصوص به خود، بافت فیزیکی معینی را به وجود می‌آورد؛ حاشیه‌نشین‌ها به دلیل فقدان تطبیق محیط شهری و پسران شهری ازمحیط‌های شهری پس زده می‌شوند و به تدریج به کانون‌های پیوسته یا جدا ازهم دراطراف شهرها پناه می‌آورند.
جریان توسعه برونزای شهری در ایران طی دهه‌های اخیر باعث گردیده که جمعیت شهرنشین بالغ بر دو برابر گردد و پیش‌بینی‌ها حکایت از ادامه سریع این رشد را دارند. شکل گیری حاشیه نشینی در ایران (با وجود ویژگیهای منحصر به فرد خود و تفاوتهایی که با سایرکشورهای در حال توسعه دارد) ریشه در توسعه برونزا و رشد بسیار سریع و ناهمگون شهرنشینی دارد، که آغاز آن به طور تقریبی مقارن است با سالهای آغازین ۱۳۰۰ استقرار حکومت رضاخان و آغاز گسترش ارتباط اقتصادی سرمایه‌داری که موجب ایجاد تحولاتی در شیوه‌های تولید و به دنبال آن دگرگونی‌هایی در شبکه شهری و روستاها شده و نهایتا، موجد کلانشهرهایی چند در کشور، به عنوان محل تمرکز همه فعالیتهای صنعتی جدید شد. (حسامیان و همکاران، ۱۳۶۴، ص ۳۷) اوج این حرکت که اتکای سرمایه‌گذاریهای صنعتی بر آن ناشی از فروش نفت بوده‌است، حدود سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ بوده‌است. (پارساپژوه.۱۳۸۳.ص۱۳۶۷) نتیجه این امر مهاجرتهای گسترده روستا - شهری و افزایش شدید جمعیت روستایی در چند شهر بزرگ بوده است که منجر به بروز اشکال حاشیه‌نشینی در برخی از این شهرها شده‌است.
حاشیه‌نشینی در شهرهای ایران به‌صورت شهرک‌نشینی در حومه شهرها وهمچنین آلونک‌نشینی دیده می‌شود.
علل زیادی را می‌توان از منظرهای گوناگون برای حاشیه‌نشینی نام برد از جمله :
- افزایش مهاجرت از روستا به شهر به علت عدم اشتغال و پایین بودن سطح درآمد را می توان به عنوان عامل اصلی حاشیه‌نشینی نام برد.
- مشکلات موجود در روستاها وعدم وجود امکانات تفریحی- آموزشی- بهداشتی کافی.
- پایین بودن سطح درآمد خانواده‌ها
- بالا بودن هزینه اجاره وخرید مسکن خانواده‌های شهری که منجر به حرکت آنها به سمت حاشیه کلان شهر می‌شود.
مهاجرت روستائیان به شهرها نقش مهمی در ایجاد تراکم و ازدحام بیش از حد شهرها داشته است.
قشر عظیمی از این حاشیه‌نشینان مهاجران از روستاها یا شهرهای کوچک هستند و در پی تهیه زمین جهت احداث مسکن می‌باشند، به لحاظ ارزان بودن زمین به حاشیه و اطراف شهر روی می‌آورند.که این امربه ایجاد حاشیه‌نشینی و گسترش بی رویه شهرها منجر شده‌است.
کلانشهر تبریز از توازن توسعه شهری مناسبی برخوردار نیست و این عامل باعث بروز پدیده حاشیه‌نشینی از سال های قبل شده‌است.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

شهر تبریز از جمله کلانشهرهایی است که درگیر با مساله حاشیه‌نشینی است، و این فقط محدود به مناطق حاشیه‌نشین نمی‌شود، بلکه کل شهر را متاثر ساخته است، به طوری که پیامد آن باعث بروز انواع ناهنجاریها در زمینه شهرنشینی است. اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل غیررسمی و کاذب، وجود ساخت و سازهای غیرمجاز، عدم توانایی مدیریت شهری برای ارائه خدمات مناسب در این مناطق، آلودگی زیست‌محیطی، اثرات نامطلوب فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این مناطق بر کل سیستم شهر، افزایش جرم و انحرافات اجتماعی در این مناطق، همه و همه از جمله آثار مخرب و مضر حاشیه‌نشینی، چه بر روی ساکنان آن مناطق و چه بر روی دیگر افراد ساکن در شهر تبریز هستند.

در حال حاضر سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر تبریز با وسعتی بیش از ۲۰۰۰ هکتار و جمعیتی متجاوز از ۴۵۰۰۰۰ نفر می‌باشد. یک سوم مردم تبریز حاشیه‌نشین هستند و تبریز بیشترین تعداد حاشیه‌نشین را در کشور دارد.

پهنه حاشیه‌نشین منطقه یک و۱۰واقع در شمال تبریز، وسیع‌ترین پهنه حاشیه‌نشین تبریز را تشکیل می‌دهد. جمعیت این پهنه بالغ بر ۲۵۰ هزار نفر است.و مساحت ان حدود ۱۰۰۰ هکتار می‌باشد.

این پهنه از شمال به ارتفاعات عیتالی، از جنوب به خیابانهای مفتح، سربازشهید و عباسی و از شرق به میدان ولی امر ختم می‌شود. این پهنه محلات سیلاب‌قوشخانه، سیلاب‌ملازینال (دره ایچی)، احمدآباد، ایده‌لو، اسماعیل‌بقال، قربانی، لوتی ابراهیم، منبع، ۴۰ متری، خلیل‌آباد، بهشتی و یوسف‌آباد را در بر می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

مانوئل کاستللز در کتاب "مساله شهری" در سال ۱۹۷۷ درباره گروه‌های حاشیه نشین در کشورهای در حال توسعه می‌گوید: شهرنشینی با آهنگ شتابنده‌ای گسترش می‌یابد در حالی که امکانات اشتغال مولد برای جمعیت تازه وارد (مهاجران) فراهم نیست. وی حاشیه‌نشینی را مولود نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی و شهرنشینی ناهمگوون و انتقال فقر روستایی به فقر شهری می‌داند. (آقابخشی و همکاران.۱۳۸۲. ص۱۸۹)

علی‌اصغراکبریان‌اقدم(۱۳۶۵). در پایان‌نامه ای با عنوان « حاشیه‌نشینی در تبریز، بررسی تطبیقی مهاجران روستانشین و کوچ‌نشین در حاشیه تبریز» به انجام رسانیده‌است. این بررسی ضمن ارائه اطلاعات کلی در مورد جامعه حاشیه‌نشینان تبریز جهت شناساندن این جامعه از نظر جمعیت، علل مهاجرت، وضع سکونت، امکانات زندگی، وضع حاشیه‌نشینان را از نظر آموزشی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار داده و در هر کدام از این زمینه‌ها درباره مسائل مربوطه آن، به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و اطلاعات جمع‌آوری شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌است. (اکبریان، اقدم. ۱۳۶۵)

احمدیان و رضوانی(۱۳۷۲). در پژوهشی با عنوان «بررسی تجارب بازسازی مناطق زاغه‌نشین شهر تهران» انجام شده‌است. هدف این پژوهش شناخت و بررسی عملکرد شهرداری تهران و سایر نهادهای ذیربط در ارتباط با بازسازی مناطق زاغه‌نشین شهر تهران در جهت ارائه پیشنهادهایی جهت بهبود برنامه های در دست اجرای بازسازی این مناطق می‌باشد. (احمدیان و رضوانی. ۱۳۷۲)

هدایتی و منصوری در سال(۱۳۵۷) . در پژوهشی علل مهاجرتهای داخلی در تهران و حاشیه‌نشینی در تهران را مورد بررسی انجام داده‌اند. این پژوهش به بررسی مسیر مهاجرتهای داخلی در ایران شهر تهران و حاشیه‌نشینی در دنیا و تهران و سه منطقه حاشیه‌ای تهران می‌پردازد. هدف از این تحقیق، مشخص کردن بعضی از ویژگی‌های حاشیه‌نشینان است. (هدایتی و منصوری. ۱۳۵۷)

علیرضا دهقان(۱۳۶۸). نیز پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی آلونک‌نشینان» . در این پژوهش به بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی آلونک‌نشینان منطقه یک و ۱۰ شهرداری تهران می‌پردازد. اهداف پژوهش عبارتند از: بررسی مبدأ و منشاء آلونک‌نشینان محله مورد بحث، علل آلونک‌نشینی، اشتغال و درآمد آلونک‌شینان، بررسی علل فقدان انگیزه پیشرفت و وضعیت انحرافات و کجروی، قدر و منزلت اجتماعی، نگرش نسبت به موضوع تخریب سازمانهای دولتی، نگرش نسبت به ارگانهای انتظامی و خدماتی، میزان رضایت از آلونک‌نشینی و وضعیت هجوم و توالی آن. (دهقان. ۱۳۶۸)

علی حاج یوسفی(۱۳۵۱). در پژوهشی با عنوان «بررسی حاشیه‌نشین شهری» .به بررسی دست یافتن به راه حل‌هایی در زمینه آلونک‌نشینی در کل کشور پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد گروه‌های حاشیه‌نشینان بنا به شرایط برای ساختن مسکن از مصالح مختلفی مانند خشت و گل، چوب و حلبی استفاده کرده‌اند و بیشتر کودکان بیمار و به سوء تغذیه مبتلا هستند. فقر فزاینده و عدم امکانات آموزشی، سطح پایین سواد را به دنبال دارد. (حاج یوسفی.۱۳۵۱)

غلامرضا لطیفی نیز پژوهشی با عنوان «بررسی اجتماعی- اقتصادی حاشیه‌نشینی در شهر تهران در طی سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۷۲» انجام داده‌است. هدف این تحقیق عبارت است از: شناخت، فاکتور انطباق و سازش ساکنان با محیط مسکونی‌شان است. وی

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

نتیجه‌گیری می‌کند که حاشیه‌نشینی معلول شهرنشینی شتابان و رشد اقتصاد شهری در شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم است. تمرکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در یکی دو شهر بزرگ کشور و عدم یک برنامه‌ریزی اجرایی در سطح ملی و متعاقب آن در سطوح منطقه‌ای و شهری و بخشی، باعث سردرگمی و افزایش مشکلات شهرنشینی بخصوص در شهرهای بزرگ گردیده‌است و این در حالی است که این فرایند ادامه دارد.(لطیفی. ۱۳۷۷)

پژوهشی نیز با عنوان «حاشیه‌نشینی در شهرها و آثار و پیامدهای آن» توسط آقایان کمال اطهاری و بهزاد خالقیان صورت گرفته‌است، که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد برنامه‌ریزی شهری در کشور دارای نواقص و کاستی‌هایی است که عدم توجه به آن، رشد و تکوین ساخت‌وسازهای بدون برنامه را در خارج محدوده شهرها در پی داشته‌است و تا زمانی که طرح‌های شهری اعم از طرح جامع، طرح‌های هادی، آماده سازی و یا شهر جدید نتواند کلیه اقشار اجتماعی جامعه شهری را پوشش دهد، این اقضار بطور طبیعی و در فرایندی کم و بیش خود به خودی، برنامه‌ریزی سکونتی مطابق با توان خود را در پشت دیوارهای قانونی شهرها پی‌ریزی خواهند نمود و این آغاز حاشیه‌نشینی است. (اطهاری و خالقیان. ۱۳۷۴)

«بررسی علل رشد حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی در شهرستان مشهد» نیز عنوان پایان‌نامه‌ای است که توسط سعید سروری در سال ۱۳۷۶ انجام شده است. در این پژوهش به این نکته اشاره شده است که زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی یکی از معضلات اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. که مانند قارچ بصورت خودرو سبز شده و از هر نقطه‌ای سر در می‌آورد. این تحقیق نشان می‌دهد که رشد جمعیت، مهاجرت، عدم وجود فرصتهای مناسب اشتغال و عدم بهره‌گیری مناسب از ظرفیت و استعدادها از عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی می‌باشد. (سروری. ۱۳۷۶)

سیامک سلیمانی نیز پایان‌نامه‌ای با عنوان «تبعات سیاسی - امنیتی حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ؛ مطالعه موردی اراک» انجام داده‌است. فرضیه پژوهشگر آن است که پدیده حاشیه‌نشینی در ابتدا تبعات اجتماعی دارد و در صورت عدم برخورد صحیح، یکی از عوامل ناآرامیهای سیاسی خواهدشد. نتیجه پژوهش بر آن است که، حاشیه‌نشینی همچنان وجود خواهد داشت و از طرفی عوامل مورد نظر در نظریه اسملسر و نظریه محرومیت نسبی در این مناطق دیده می‌شود که در صورت عدم برخورد صحیح علاوه بر تبعات اجتماعی، هر آن احتمال ایجاد ناآرامی در این مناطق وجوددارد و در بخش راهکار پیشنهادات در دو طیف بلندمدت و کوتاه مدت تقسیم‌بندی شده‌است که آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای به عنوان راهکار بلندمدت و مواردی در جهت ادغام سیاسی – اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی حاشیه‌نشینی در سیستم شهر به عنوان پیشنهادات کوتاه مدت ارائه گردیده‌است. (سلیمانی. ۱۳۷۵)

ضرورت تحقیق

حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی یکی از پیامدهای گسترش سریع شهرنشینی در کشور در دهه‌های اخیراست. اشکال نابهنجار سکونتگاه‌های غیر رسمی نسبت به بافت متداول شهر انعکاس برآورده نشدن نیاز مسکن اقشار کم درامدی است که در فضای رسمی و برنامه ریزی شده شهر جایی ندارند و در فرار از محدودیت‌های قانونی خارج از توان خود، اقدام به ایجاد سکونتگاه‌های نابسامان در حاشیه شهرها می‌کنند. برآورد می‌شود حداقل یک هشتم جمعیت شهری کشور (حدود چهارونیم میلیون نفر) در این سکونتگاه‌های غیررسمی مستقر می‌باشند و تداوم روند موجود نسبت آن را در ابتدای دهه آینده به یک چهارم جمعیت شهری و تعداد آن را به بیش از دو برابر خواهدرساند. پیدایش و گسترش اسکان غیررسمی گویای وجود موانع ساختاری و خدمات رسانی لازم مرتبط با آن برای اقشار کم درآمد شهری در سطح کلان است؛ همچنین در سطح خرد نیز، ضعف مدیریت شهری (به ویژه در هدایت، نظارت و کنترل)، وجود منافع نامشروع گروههای ذینفع و ذی نفوذ محلی و برخوردهای غیرقانونمند در پذیرش یا رد این سکونتگاه‌ها، مسأله را تشدید کرده‌است .از این رو به نظر می‌رسد پرداختن به مساله حاشیه‌نشینی و توجه به ابعاد و روندهای آن، ضرورت می‌یابد. زیرا شناسایی علل این پدیده و ارائه راهکار در جهت بهبود آن، موجبات برابری در بافت شهری را که از شاخصه‌های توسعه پایدار است، فراهم می‌کند.

ضعف مدیریت شهری، اشتغال حاشیه‌نشینان به کارهای غیررسمی، پیامدهای زیستی حاشیه‌نشینی، آسیب‌های اجتماعی، ساخت‌وسازهای غیرمجاز، از جمله ضرورتهای پرداختن به پدیده حاشیه‌نشینی در شهر تبریز است.

سوالات تحقیق

- رویکرد طرح‌های توسعه شهری تبریز در رابطه با برنامه‌ریزی و ساماندهی مناطق حاشیه نشین به چه صورت بوده‌است؟
- عملکرد مدیریت شهری کلانشهر تبریز در مواجهه با پدیده حاشیه نشینی به چه صورت بوده است؟

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

- مهاجرت‌های روستا - شهری به چه میزان در گسترش حاشیه‌نشینی تاثیردارند؟
- عوامل اقتصادی چه تاثیری بر حاشیه‌نشینی دارد؟
- چه راهبردها و راهکارهایی برای حل مشکل اسکان غیررسمی در منطقه یک و۱۰شهر تبریز وجود دارد؟

فرضیات تحقیق

- مهمترین عامل شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی شمال تبریز مهاجرتهای روستا - شهری بوده است.
- رابطه معناداری بین جاذبه‌های اقتصادی کلانشهر تبریز با گسترش حاشیه‌نشینی وجود دارد.
-بین عدم نظارت مناسب سازمان‌های متولی مرتبط با زمین‌شهری و گسترش حاشیه‌نشینی در منطقه شمال تبریز ارتباط وجود دارد.

مبانی نظری

حاشیه نشینی

مفهوم حاشیه‌نشینی به موقعیتی از نابرابری اطلاق می‌شود که در آن طبقات مسلط اقتصادی - سیاسی به طور منظم و مداوم گروهها و طبقات تحت نفوذ و حاکمیت خود را از برخورداری منابع، منافع و امتیازات عمده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محروم می‌دارند. موانع پیش پا گذارده شده برای جدایی گروههای حاکم و محکوم اقتصادی و سیاسی نابرابریها را دائمی کرده و اقشار پایین را به لحاظ اقتصادی - سیاسی و اجتماعی حاشیه ای می کند.گاهی در فضاهای زیست انسانها شیوه‌های مختلفی از زیست نظیر شیوه حیات شهری، روستایی و ... حاکم است که هر یک علی رغم داشتن نقاط مشترک زیستی، تفاوتهای ساختاری دارند، چنانکه لوئیزورث در سال ۱۹۳۸ از شهرنشینی به عنوان شیوه خاص زندگی یاد می‌کند که با شیوه زندگی روستایی تفاوتهای بسیاری دارد. (زاهدی.۱۳۶۹)

گاه از حاشیه‌نشینی نیز در بطن شیوه زندگی شهری به عنوان نوعی شیوه زندگی نام برده می‌شود که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی و ایلاتی متفاوت بوده و با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود بافت فیزیکی معینی را به وجود می‌آورد. حاشیه‌نشینان را در معنای عام شامل تمام کسانی می‌دانند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطبهای صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و اکثر آنها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذران بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند. (حاج یوسفی .۱۳۸۲).

مارشال کلینارد می‌گوید: حاشیه‌نشینی مسئله و عارضه ای شهری است، منشا عمده بزهکاری و جرم می باشد. اشکال و انواع مختلفی دارد. هر چند حاشیه‌نشینی دارای انواع مختلف است. اما دارای یک الگوی مشخص جهانی می‌باشد. افرادی که در مناطق حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند، از ساختار قدرت و سیاست عمومی جامعه جدایی یافته و به عنوان گروه "اجتماعی پست" تلقی می‌گردند. حاشیه‌نشینان به نوبه خود با تردید به جهان نگاه می‌کنند.

حاشیه‌نشینان تنها به دلیل اقتصاد نامطلوب حاشیه‌نشین شده‌اند. یعنی قیمت ارزان زمین و مسکن و نداشتن جایگاه مطلوب اقتصادی باعث اسکان آنها در حاشیه شهر گشته است و محیط و شرایط اجتماعی است که چنین شیوه زندگی را بوجود می‌آورد.

چارلز آبرافر کارشناس معروف مسکن از مفهوم زاغه‌ها و مناطق حاشیه‌نشینی تعبیری به این شرح ارائه می‌دهد:"ساختمان و یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی دیده می‌شود، می‌تواند به عنوان زاغه یا منطقه حاشیه‌نشین معرفی گردد.".

آلونک (زاغه)

زاغه به محله‌های فقیرنشین و بدون مجوز در حاشیه شهرها گفته می‌شود. معمولا امکانات بهداشتی، رفاهی و امنیتی در مناطق زاغه‌نشین وجود ندارد.

آلونک عبارت است از منطقه‌ای مسکونی که در آن هیچ ادعای مالکیت رسمی نسبت به زمین وجود ندارد. در نتیجه از لحاظ زیرساخت‌ها و خدمات معمولا کفایت نمی‌کند. در تعریف اینگونه سکونتگاه‌ها سه ویژگی وجود دارد که عبارتند از ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و قانونی.

الف) ویژگی‌های کالبدی: آلونک‌ها و جمعیت "غیرقانونی" آنها از خدمات شهری و زیرساختهایی زیرسطح استاندارد برخوردار هستند. این سرویس هم خدمات شهری و شبکه های ارتباطی هستند و هم خدمات اجتماعی مانند لوله کشی آب و گاز و برق و خدمات بهداشتی و شبکه راه و فاضلاب.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

ب) ویژگی های اجتماعی: ساکنان آلونک ها عموما جزو جمعیت کم درآمد هستند که درآمد آنها یا به‌صورت دستمزدهای روزانه است و یا درآمدهای حاصل از کارهای غیررسمی و پاره‌وقت در قسمت تجاری. آلونک‌نشین ها عموما از مهاجرین شهری یا روستایی هستند که در این مکان اقامت دارند. البته ممکن است این آلونک‌نشین ها مهاجرین دو و یا چند نسل پیش باشند که هنوز در آلونک‌های خود ساکن مانده‌اند.

ج) ویژگی‌های قانونی: ویژگی اصلی که این نوع سکونتگاه ها را تعریف می‌کند فقدان مالکیت زمینی است که در آن ساکن هستند که این اراضی یا متعلق به دولت است و یا جزء اموال عمومی هستند و یا اینکه زمین هایی نامطلوب برای مسکن سازی می‌باشند مثل اراضی که حریم خطوط راه آهن و بزرگراه ها وجود دارد و اراضی نرم و باتلاقی.

در تبیین کیفیت و وسعت زاغه‌ها و آلونک‌ها فاکتورهایی وجود دارد که می‌توانند برای سکونتگاه‌ها عواملی درونی یا عواملی از خارج باشند:

فاکتورهای خارجی

مالک زمین - امنیت مالک - سیاست‌های شهری و منطقه‌ای - طول دوره اقامت در شهر

فاکتورهای داخلی

دین / قومیت - محل اشتغال - اصلیت زبان - طول دوره اقامت در آن سکونتگاه - سرمایه‌گذاری و مسکن‌سازی - فعالیت در ساخت‌وساز - وجه اجاره‌کنندگان

مهاجرت

مهاجرت به معنای عام کلمه عبارت است از :"ترک سرزمین مادری و اسکان در سرزمین دیگر بطور موقت یا دایم. "مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد.این تحرک باید به تغییر محل اقامت فرد از مبدا یا محل اقامت قبل از مهاجرت وی، به مقصد یا محل اقامت جدید بیانجامد.

مهاجرت عبارتست از جابجائی بین دو واحد جغرافیایی و یا بعبارت دیگر ترک یک سرزمین و اسکان در سرزمین دیگر. بدیهی است مهاجرت برای انسانهائی مطرح می‌شود که استقرار یافته‌اند و برای مدتی نسبتاً طولانی در مکانی ساکن بوده و احتمالاً در این مدت تصمیم قطعی برای مهاجرت نداشته‌اند، در یک مقطع زمانی انگیزه‌ای اعم از اقتصادی، اجتماعی و یا سیاسی آنها را به ترک سرزمین اصلی و اقامت در سرزمین دیگر وامیدارد که معمولاً قصد بازگشت در آن مطرح نیست.

شهر

بنا به نظر بسیاری از صاحب نظران و خاصه جغرافیدانان، نحوه زندگی بشر و سکونت او دارای دو تقسیم بزرگ کوچنشینی و یکجانشینی است که ده نشینی و شهر نشینی یکی از اقسام نحوه‌ی زندگی بشر بر سطح زمین و به عنوان استقرار ثابت بشر در محیط زیست است.

شهر یکی از پدیده‌های بشری در محیط زیست به منظور اسکان، تامین معیشت، داشتن روابط اجتماعی و اقتصادی و مانند آنهاست.

احساس لزوم تثبیت در یک نقطه و احتیاج به زندگی در کنار یکدیگر و لازم و ملزومات آنها، انسان را بر آن داشته‌است که هماهنگ با محیط طبیعی و داده‌های ساختمانی محیط اطراف خود به ایجاد مسکن دست بزند.

جذب و جلب جمعیت روستایی به طرف شهر به دلیل وجود امکانات رفاهی در شهرها و کمبود آن در روستاها صورت گرفته‌است. مهاجرت از سوی روستاها به طرف شهرها (مخصوصا شهرهای بزرگ) باعث پایین رفتن سطح تولیدات کشاورزی و دامپروری، مشکلات افزایش جمعیت و تراکم در آن شهرها، مشکلات مربوط به مسکن، توسعه‌ی ناموزون شهرها، عدم تکافوی (کافی بودن) تاسیسات شهری، مشکلات ترافیک و رفت و آمد و عدم آشنایی روستایی با زندگی شهری و مانند آنها شده‌است. بنابراین شهرها بایستی بر مبنای نقش و وظیفه و امکان و استعدادی که در سطح منطقه خود دارند، انجام وظیفه کرده و به نحوی توسعه یابند که اثرات منفی خود را بر روال زندگی روستاها به حداقل برسانند.

چنانچه برای شهر و روستاها هماهنگ با یکدیگر برنامه‌ریزی شود و شهرها همه گونه امکانات و اعتبارات و احتیاجات نواحی روستایی را در اختیار خود نگیرند، ضمن آنکه از شدت مشکلات و مسائل شهری کاسته خواهد شد، روستاها نیز خالی از سکنه نخواهند گردید.

به طور کلی جمعیت نسبتا متراکم، وجود خیابانها و مراکز کار و تجارت، ساختمان‌های مرتفع که نسبت به دهات و روستاها متفاوت است، امکانات آموزشی و رفاهی و وجود گسترده‌ی وسائط نقلیه همه علائمی است که در شهرها وجود دارد.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

در تمدن‌های خیلی قدیمی مراکز جمعیتی وجود داشته که به آن نقاط شهر اطلاق می‌شده و قطعا به مناسبت نوع شغل و وظایفی که به عهده داشته‌اند با مناطق روستایی متفاوت بوده‌اند.

چارچوب نظری

در ارتباط با علت‌یابی و شناخت زمینه‌های حاشیه‌نشینی، نظریات متفاوتی ارائه شده‌است. این نظریات متفاوت، اگر چه تا حد زیادی ناشی از وجوه مختلف حاشیه‌نشینی است، لیکن تعلق صاحب‌نظران به دیدگاه‌ها و مکاتب فکری گوناگون، سهم مهمی در این امر دارد. در اینجا سعی می‌شود علل و روندهای حاشیه‌نشینی از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار گیرد:

دیدگاه‌های لیبرالیستی

این دیدگاه‌ها عمدتاً خاص کشورهایی که با نظام اقتصاد آزاد اداره می‌شوند، به ویژه ایالات متحده آمریکا، می‌باشد. مهمترین و معروفترین چهره دیدگاه لیبرالی، جان اف ترنر[1] است. (پیران.۱۳۷۳ .ص ۶۹) این دیدگاه با آن که به برخی از ابعاد پدیده حاشیه‌نشینی توجه دارد، اما تحلیلی ریشه‌ای از مسئله به دست نمی دهد و بیشتر به برخی از جنبه های اجتماعی، کالبدی و اقتصادی حاشیه‌نشینی تاکید دارد.

این دیدگاه‌ها تحت تاثیر فلسفه پوزیتویسم قرار دارند و از بررسی سطحی علل و عوامل مختلف تجاوز نمی‌کنند. این امر شاید ناشی از تعهدی باشد که علم (به مفهوم جدید آن) نسبت به نظام سرمایه‌داری و طبقات حاکم و حاکمیت کشورهای کانونی بر عهده گرفته است. بسیاری از محققان لیبرالیست، که از معتقدان و مبلغان مکتب کارکردگرایی می‌باشند، علت عمده ی حاشیه‌نشینی را ناشی از کارکرد جاذبه‌های شهری و دافعه‌های روستایی به شمار می‌آورند. به نظر آنها افزایش جمعیت یکی از علل مهمی است که زمینه را برای مهاجرت مازاد نیروی کار روستایی فراهم می‌اورد. «عدم دسترسی مهاجرین به مشاغل اقتصادی شهری، همراه با فقر اقتصادی و عدم تخصص آنها موجب می‌شود که آنها مجبور شوند آلونک ها و زاغه‌هایی را که در اغلب موارد، فاقد هرگونه تسهیلات شهری، از قبیل آب و برق و تلفن است، برای زندگی برگزینند.» برخی دیگر از کارکرد گرایان به عوامل دیگری، غیر از افزایش جمعیت تاکید نموده‌اند، به عنوان مثال هوم هویت[2] عوامل فیزیکی، مانند زمین‌های رهاشده و اراضی نامناسب شهری، و آبرامز[3]، بالا بودن قیمت زمین و مسکن و برخی دیگر، عوامل اقلیمی را زمینه‌ساز هجوم مهاجران به مناطق خاصی از شهرها و ایجاد حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی می‌دانند.

تا ابتدای دهه ۱۹۷۰ تحت تاثیر نگرش لیبرالی، حداقل دخالت دولت در امر مسکن و سکونتگاه‌های غیررسمی دستور کار بسیاری از دولتها بود .بر این اساس" نادیده‌گرفتن[4] "سکونتگاه‌های غیررسمی غالبا با فرض اینکه با توسعه اقتصادی مشکل مسکن نابهنجار و فقر بطور عام برطرف خواهدشد، عامترین رویکرد این دوره بود. (هابیتات. ۲۰۰۳)

خلاصه آنکه دیدگاه لیبرالی با حقیقت (چرایی پیدایش سکونتگاه‌های غیرمتعارف) درگیر نمی‌شود و واقعیت موجود (پیدایش و گسترش سکونتگاه‌های غیر متعارف) را قهری و از تبعات نظام جهانی موجود که در، مجموع مورد قبول است، می‌انگارد و لذا به ارائه راه حل‌هایی در سطوح مختلف بسنده می‌کند. (پیران.۱۳۷۳.ص۱۹۷)

دیدگاه ساختارگرایان

رادیکالیست‌ها که عمدتاً از دیدگاه اقتصاد سیاسی به مسائل می‌نگرند، اگر چه در قبول این اصل، که حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه، نتیجه‌ی مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ می‌باشد، با لیبرالیست‌ها هم عقیده هستند، لیکن بر خلاف لیبرالیست‌ها، این مهاجرتها را ناشی از خصوصیات کارکردی شهرها نمی‌دانند، بلکه ساختار اقتصادی نابسامان کشورهای در حال توسعه را، که ناشی از ادغام کشورهای مزبور در نظام اقتصادی و تجارت جهانی است، در این امر دخیل می‌دانند. تحلیل‌گران اقتصاد سیاسی معتقدند: «هنگامی که مناطق دارای اقتصادی معیشتی به جرگه بازار وارد می‌شوند. تولیدات بومی جای خود را غالباً به یکی دو محصول عمده خواهند داد و جمعیت زیادی به علت دگرگونی ساختهای تولیدی، به‌صورت نیروی کار آزادشده درآمده، موج‌های عظیم مهاجرتی را موجب می‌شوند.

یکی دیگر از عواملی که به عقیده‌ی رادیکالیست‌ها، زمینه حاشیه‌نشینی را فراهم می‌آورد، اقتباس کشورهای درحال‌توسعه از الگوهای توسعه‌ی کشورهای سرمایه‌داری صنعتی می‌باشد این تحلیل‌گران معتقدند چنین الگوهایی به دلیل آنکه صنعت محور

---

1 . John F. Turner
2 . Home Hoyt
3 . Abrams
4 . Negligence
5 . UN Habitat

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

هستند، ساختار اقتصادی کشورهای درحال‌توسعه را در هم می‌ریزد. یکی از نتایج منطقی چنین الگوهایی (مانند : الگوی توسعه‌ی خطی روستو و راهبرد قطبی رشد)، که توسط "مکتب نوسازی[6]" تبلیغ و ترویج می‌شود، افزایش جمعیت شهری و ایجاد شهرهای مسلط با جاذبه‌های شغلی و خدماتی، آن هم در شرایطی است که به دلیل بر هم ریختن ساختار اقتصادی سنتی، بخش کشاورزی تحت الشعاع مونتاژ و فعالیت‌های بخش خدمات قرار گرفته و مازاد نیروی کار روستایی را ناگزیر از مهاجرت به شهرهای بزرگ می‌نماید.

دیدگاه نوسازی که در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان رویکردی غالب در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شده‌است. یکی از عوامل مهم بر هم ریختن ساختار اقتصاد سنتی و رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه به شمار می رود. به موجب این دیدگاه «پیوندی تنگاتنگ بین شهری‌شدن و توسعه وجود دارد، به گونه‌ای که توسعه‌یافتگی را مترادف با شهری شدن در نظر می‌گیرند.

به طور کلی می توان گفت تحلیل‌گران اقتصاد سیاسی، با اعلام این شعار که: ساختار درونی کشورهای جهان سوم بخشی از نظام جهانی تولید و مصرف است، سعی می‌کنند نقش عوامل ساختاری در مشکلات شهری و از جمله حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی را تبیین نمایند.

انواع حاشیه‌نشینی

حاشیه‌های درون شهری

این نوع حاشیه که معمولا در بخش‌های قدیمی‌تر شهر دیده می‌شوند، به مناطق مسکونی گفته می‌شود که وضعیت نا به سامانی دارد یا به عبارتی دیگر آن قسمت از شهر است که در گذشته وضعیت مطلوب و سامان یافته‌ای داشته ولی به تدریج شرایط آن نامناسب شده و ساکنان آن به نقاط بهتر و جدیدتری از شهر رفته و در آنجا سکنی گزیده‌اند که شامل واحدهای مسکونی با تراکم بالا در مراکز کثیف شهر می‌شوند.

حاشیه‌های غیررسمی یا غیرقانونی

سکونتگاه‌های یادشده در واقع به منطقه‌ای مسکونی که بدون مطالعه قانونی برای دریافت زمین و یا اجازه از سوی مقامات مربوطه برای ساختن خانه توسعه یافته‌است، گفته می‌شود که شامل سکونتگاه‌های خود رو می‌باشد که بدون هویت قانونی در اطراف شهر به طور نامنظم پراکنده شده‌اند.

از نظر برخی دیگر حاشیه‌نشینی بر اساس معیارهای مختلف انواع متفاوتی دارد که به آنها اشاره می‌شود:

- براساس محل سکونت حاشیه‌نشینان دو دسته هستند:

۱- حاشیه‌نشینان بومی

۲- غیربومی داخلی

الف) حاشیه‌نشینی بومی

این نوع حاشیه‌نشینی شامل آن گروهی است که غیر مهاجرند یا به عبارتی مدت خیلی زیادی از مهاجرت آنها گذشته است و به نوعی جزء ساکنان منطقه محسوب می‌شوند .

ب) حاشیه‌نشینی غیربومی داخلی

این نوع شامل آن گروهی است که از شهرهای کوچکتر یا روستاها به این مناطق مهاجرت می‌کنند و این دسته از مهاجران بیشتر خاستگاه جغرافیایی مشترکی دارند . در بسیاری از موارد نسلهای دوم و سوم این گروه جذب فرهنگ شهری شده واز زندگی حاشیه‌ای فاصله می‌گیرند .

- براساس ابعاد حاشیه نشینی سه دسته‌اند: اجتماعی، اقتصادی وسیاسی

حاشیه‌نشینی اجتماعی

در حاشیه‌نشینی اجتماعی افراد از نظر ویژگی اجتماعی مثل رفتار و سلوک و زبان احساس حاشیه‌ای دارند این امر بیشتر در بین مهاجرانی که از نظر نژاد ،قومیت، مذهب و حتی طبقه با ساکنان اصلی شهر متفاوتند دیده می‌شود زیرا مهاجران از جهان سنتی خود بیرون آمده‌اند اما هنوز با جهان جدید انس نگرفته‌اند و درگیر طی جریان اجتماعی شدن هستند، احساس حاشیه‌ای از بعد اجتماعی باعث می‌شود تا مهاجران مخصوصا جوانان احساس بی هویتی کنند در این موقعیت است که با تشکیل باندها و گروهها سعی در مخفی نگه داشتن ویژگی حاشیه‌ای خود دارند فرد مهاجر از اجتماع خود بریده و پا به دنیای جدید گذاشته و احساس می‌کند به پناهگاهی نیاز دارد تا این بیگا نگی را در خود حل کند پس به سوی افرادی می‌رود که در بحرا ن از دست دادن ارزشهای بومی با وی همدردند و بدین صورت خرده فرهنگ زاغه‌ای شکل می‌گیرد این خرده فرهنگ زاغه‌ای از افرادی تشکیل

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

می‌شود که کم و بیش مشکلات مشابهی دارند و ارتباط آنان با یکدیگر ارزشها و گرایشهای جدیدی به وجود می‌آورند که در خیلی از موارد نسبت به فرهنگ برترحالت انحرافی و کجروانه و ضد ارزشی دارند هر چند در این محلات عادی تلقی می‌شود. (کریمی و دیگران.۱۳۸۵.ص۱۱۲و۱۱۱).

حاشیه‌نشینی سیاسی

حاشیه‌نشینی از بعد سیاسی شامل مواردی است که افراد خارج نظام سلطه قرار بگیرند و این امر ناشی از فقدان شرکت آنها در ساخت نهادهای نظام سیاسی است وقتی که فرد نه تنها خود قادر به شرکت در نهادهای سیاسی نباشد بلکه احساس کند مسایل ومشکلات و خواسته‌های ایشان مورد توجه سیاستمداران جامعه نیست از نظر سیاسی احساس حاشیه‌ای بودن می‌کنند.

حاشیه‌نشینی اقتصادی

تقریبا همه اندیشمندان در بررسی حاشیه‌نشینی به این بعد توجه دارند و از جمله مواردی که نسبت به خصوصیات حاشیه نشینان مطرح می‌کنند عبارتند از مسکن غیر متعارف ،عدم جذب در اقتصاد شهری، درآمد پایین ساکنان، بیکاری پنهان وسیع،گسترش مشاغل کاذب، مهارت کم،تحصیلات پایین و ....

ویژگی‌های حاشیه‌نشینی

- **ویژگیهای کالبدی**

در این سکونتگاه‌ها با توجه به اساس غیرقانونی آنها، سطح خدمات عمومی و تاسیسات شهری کمتر از مقدار کافی و حتی کمتر از حداقل‌های لازم می‌باشد. این تاسیسات و خدمات شامل مواردی چون شبکه آب، فاضلاب، برق، جاده ها، زهکشی معابر، خدمات آموزشی، مراکز بهداشتی، مراکز خرید و غیره می‌باشد. (Sirinvas ،1999)

- **ویژگیهای اجتماعی**

اغلب ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی جزء طبقات پایین و محروم جامعه‌اند و از درآمد ناچیزی برخوردارند. آنها دارای مشاغل کاذب غیرتولیدی(دستفروش، دوره‌گرد و ...)و یا بصورت کارگران روز مزد و یا در بخشهای غیررسمی کار می‌کنند و با وجود کار طاقت فرسا حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند.گاهی بعضی از خانوارها با کار در شغلهای نیمه‌وقت، از سطح درآمد بالاتری نسبت به دیگر خانوارها برخوردار می‌گردند. اغلب خانوارهای سکونتگاه‌های غیررسمی را مهاجران(از روستا یا شهرهای کوچک)تشکیل می‌دهند و بعضی ازآنها نیز نسل دوم و یا سوم ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی هستند. (سیریننواس. ۱۹۹۹)

- **ویژگیهای قانونی**

در واقع مهمترین ویژگی که مناطق حاشیه‌نشین را از دیگر سکونتگاهها متمایز می‌سازد، این است که ساکنان این سکونتگاهها عمدتا فاقد مالکیت رسمی زمینی هستند که خانه خود را در آن ساخته‌اند.این زمین ممکن است جزء زمین‌های دولتی و عمومی خالی از سکنه باشد و یا جزء اراضی حاشیه شهرها که نامطلوب و در معرض مخاطره هستند، مانند زمین‌های باتلاقی، سیل گیر و... ، بنابراین زمانی که زمین مولد نیست تا مورد استفاده آنها در شهرها قرار گیرند، مورد توجه و استفاده حاشیه‌نشینان و سکونتگاه‌های غیر رسمی قرار می‌گیرد.

بنابر آنچه که گفته شد، اغلب زمینهای تصرف شده متعلق به ساکنان این سکونتگاه‌ها نیست؛ البته ساکنان همه این سکونتگاه‌ها را نمی توان غیرقانونی برشمرد. بعضی از آنها دارای حق مالکیت زمین و برخی نیز مستاجر بوده و اجاره زمین یا ساختمانی را که در آن ساکن هستند می‌پردازند. گاهی کلیه این سکونتگاه‌ها به اشتباه حاشیه خوانده می‌شوند، در حالی که این مناطق نه تنها از نظر اصل و علت تشکیل متفاوتند، بلکه از نظر نقشی که در جامعه شهری ایفا می‌کنند و نوع پاسخگویی به نیازهای آنها نیز با یکدیگر متفاوت هستند.

مشکلات حاشیه‌نشینان

از جمله اصلی‌ترین مشکلات حاشیه‌نشینان را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱-فقر اقتصادی اجتماعی وفرهنگی

۲-فقدان حداقل امکانات بهداشتی

۳-تحقیر اجتماعی به عنوان اعضاء بی‌طبقه جامعه

۴- عدم دسترسی ویا بی‌رغبتی نسبت به آموزش و پرورش و سواد آموزی

۵- بی‌بهره‌ماندن ازخدمات شهری (شامل خدمات شهرداری - مرکز تفریحی آموزشی وآب و برق و ...)

۶- اضطراب دائمی به علت استفاده غیرقانونی و غیرمجاز از زمین و یا آب و برق اطراف و...

علوم اسلامی انسانی، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۸، ص ۱۵۰- ۱۳۱

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

پیشینه و مواجهه با پدیده حاشیه‌نشینی در جهان

بیش از چهار دهه است که برنامه های مقابله با حاشیه‌نشینی در مناطق مختلف جهان به اجرا گذاشته شده‌است. این برنامه‌ها به شدت تابع نظریه‌های مختلف درباره سکونتگاه‌های غیررسمی، نحوه نگرش به آنها و سیاست‌های کلی دولتهای مداخله‌کننده در این زمینه بوده‌است و بسته به نوع اقدامات نتایج متفاوتی به شرح جدول زیر در برداشته‌است. (هادی‌زاده. ۱۳۸۴ . ص ۳۹-۳۲):

جدول ۱- پیشینه مواجهه با پدیده حاشیه‌نشینی در جهان

ردیف	دوره زمانی	الگوها	اقدامات	اقدامات نتایج
۱	**دهه۱۹۶۰**	برنامه خانه‌سازی اجباری	رشد فقر و کمبود مسکن شهری، اتخاذسیاست خانه‌سازی اجتماعی دربسیاری از کشورها، احداث مسکن ارزان قیمت.	کمبود منابع مالی دولتی، تشدید مهاجرت روستاشهری و بی‌نصیب ماندن گروههای فقیر(هدف) ازمساکن احداثی پر هزینه با استانداردهای بالا، منجر به شکست این راه حل شد.
۲	**دهه۱۹۷۰**	طرح زمین خدمات	ارائه زمین تفکیکی همراه باخدمات (سرویس) به گروههای فقیر، بهره‌گیری از تواناییهای مالی افراد، به همراه ارائه وامهای احداث مسکن وتحت پوشش قرار دادن بیشترخانوارهای حاشیه‌نشین.	کمبود زمین عمومی برای عرضه توسط مقامات دولتی، مشکلات دسترسی به مشاوره‌های فنی، ناتوانی بازپرداخت وامها از دلایل شکست این طرح به شمار می‌رود.
		برنامه بهسازی زاغه‌ها	محدودیت مالی در زمینه سیاست خانه‌سازی و مشکلات عرضه زمین وخدمات، مسئولان دولتی اقدام به سرمایه‌گذاری در زمینه بهسازی زاغه های حاشیه شهر و سکونتگاه‌های غیر رسمی و تثبیت مالکیت نمودند.	تاثیر ناچیز بر توسعه گسترده شهری،مشکلات ناشی از نگهداری زیرساختهای بهسازی شده شهری و مشکلات ناشی از حق تملک زمین منجر به کاهش خودیاری شده‌بود.
۳	**دهه۱۹۸۰**	توانمندسازی	بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع موجود برای ایجاد مسکن و بهبود شرایط زندگی گروههای فقیر، مشارکت فعال ساکنان فقیر،جلوگیری از تخریب حداقل سرپناه، تکیه بر روشهای مشارکتی برای تامین سرپناه کافی برای همه.	نبود حق تملک تضمین شده، معامله نادرست اراضی مسکونی، نظامهای مالی انعطاف ناپذیر در زمینه مسکن، مقررات نامطلوب در زمینه ساخت وساز و طراحی از مشکلات طرح است.
۴	**روند کنونی (۲۰۰۰به بعد)**	پیکار جهانی برای تضمین حق اقامت و سکونت (شهرهای بدون زاغه)	تضمین حق مالکیت لازمه توسعه اقتصادی است. مشارکت قشر فقیر شهری در طراحی راه‌حل‌هایی برای حل مشکل مسکن، حق مسکن برای همه، تضمین حق مالکیت، مشارکت بعنوان وسیله ای برای تضمین توسعه پایدار، اسکان مجدد بدون اعمال زوربجای تخلیه اجباری، دسترسی قشرفقیر شهری به زمین برای سکونت.	تلاش برای توانمندسازی حاشیه‌نشینان و مشارکت آنها در تصمیم‌گیری برای زندگی خود.

ماخذ: (رهنما و توانگر. ۱۳۸۷ . ص ۹۱)

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

سیاستها و راهبردهای مواجه با حاشینه نشینی

استراتژی مقابله با حاشیه‌نشینی

برخی از کارشناسان، با تاکید بر اینکه «پیش‌گیری بهتر از درمان است» بیش از هر چیز پیش‌گیری را توصیه، می‌نمایند. مانند کنترل زمین‌های باز وسیعی که مجهول‌المالک هستند. هرگونه اقدامی در زمینه مقابله با حاشیه‌نشینی، می باید از استراتژی سه مرحله زیر تبعیت نماید:

- **مرحله اول؛** در اولین فرصت باید راه ورود تازه واردان به مادرشهرهای منطقه‌ای و کلان‌شهرها، از

طریق راه حل‌های قانونی (مانند: وضع مقررات و قوانین) و یا راه حل‌های کالبدی (مانند: نوار سبز) و یا راه حل‌های نظارتی در ارتباط با زمین‌های وسیع بلاصاحب و یا حریم رودخانه‌ها و یا دامنه‌های ارتفاعات، مسدود گردد.

- **مرحله دوم؛** وقتی محدوده‌ی شهر مستحکم گردید، کلیه حاشیه نشینان و زاغه‌نشینان داخل محدوده، بخشی از مردم شهر تلقی می‌شوند و باید مورد حمایت قرار گیرند، لیکن به دلیل مشکلات خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که دارند، این حمایت مستلزم راه کارهای خاصی می‌باشد.
- **مرحله سوم؛** مسدود کردن راه ورود مهاجران به شهرهای بزرگ، نباید به معنای محروم نمودن آن دسته از کسانی باشد که مهاجرت را به عنوان مفری برای رهایی از فقر اقتصادی و دست یابی به شرایط بهتر زندگی، انتخاب می‌کنند. لذا همزمان با اقدامات فوق‌الذکر، می‌باید اقدامات لازم به منظور ایجاد تحولات ساختاری در برنامه‌های کلان ملی صورت گیرد تا از طریق ایجاد امکانات خدماتی و به خصوص زمینه‌های اشتغال، در نقاط روستایی و شهرهای کوچک، زمینه‌های تثبیت جمعیت در کانون‌های مهاجرفرست فراهم آید. شوماخردر این ارتباط توصیه می‌کند :ضروری است بخش مهمی از تلاشهای عمرانی به عوض در نواحی روستایی و شهرهای کوچک «کشاورزی - صنعتی» شهرهای بزرگ، به ایجاد یک ساخت اختصاص یابد.

راهبردهای موضعی و موقتی

ذیلاً به برخی از تلاشهای متفاوتی که در این زمینه به عمل آمده‌است، اشاره می‌شود.

روش تخریب کامل

در این حالت به غیر از منازلی که در شرایط خوبی قرار دارند، مناطق فرسوده و غیر موجه کاملاً تخریب می‌شوند و گاهی یک محله به طور کامل از بین می‌رود .چنین روشی علاوه بر ایجاد برخوردهای خشن و ایجاد نارضایتی در مردم، نتایج مطلوبی نیز به بار نمی‌آورد.

تخریب و نوسازی مجدد

در برخی موارد، پس از تخریب مناطق حاشیه‌ای و زاغه‌نشینی، به احداث واحدهای مسکونی جدید (اغلب به‌صورت آپارتمانی) برای آنها مبادرت می‌نمایند. این راهبرد نیز به دلایل گوناگون (از جمله به دلیل انفصال ساکنان از شرایط کار و زندگی قبلی، عدم توانایی در پرداخت هزینه خانه‌های جدید و عدم تناسب خانه های جدید با نیازهای آنها)، موفقیتی به همراه نداشته است.

اصلاح و بهبود (بهسازی)

این راهبرد، که بیش از سایر راهبردها مورد توجه است، به معنای بهبود شرایط زندگی از طریق ارائه خدمات اساسی مانند:آب، برق، گاز، سیستم دفع فاضلاب، مدرسه و همچنین اصلاح معابر، پر کردن گودال‌ها و غیره می‌باشد. چنین روشی علاوه بر اینکه مزاحمت کمتری برای حاشیه‌نشینان ایجاد می‌کند، از طریق حفظ واحدهای مسکونی، می‌تواند نقش مهمی در تامین مسکن شهرهای بزرگ نیز ایفا نماید. همچنین، عملیات بهسازی نقش موثری در بهبود شرایط زیست و کاهش مشکلات موجود بر جای می‌گذارد، چنانچه بهسازی یک منطقه در گواتمالا باعث کاهش نرخ مرگ و میر کودکان به میزان ۹۰ ٪ و جرم و جنایت تا ۴۰ ٪ شده‌است.

توانمندسازی

همچنان که «دیوید دراکاکیس اسمیت» خاطر نشان کرده‌است، حاشیه‌نشینان، بر خلاف تصور، کالایی آب‌آورده و دور ریختنی نیستند، بلکه پس از بررسی‌های پژوهشی جوامع فقیر در دهه ۱۹۷۰ آشکار گردید که وجود آنها نقش مهمی در اقتصاد شهر داشته‌است. این پژوهش‌ها نشان داده‌است که « آنها با کمک ناچیز دولت قادرند مسکن، خوراک و پوشاک خود را فراهم آورند و در عین حال نوعی نیروی کار ذخیره حاضر و بی‌درنگ برای فعالیت‌های در حال گسترش بخش رسمی (درون شهرها) را مهیا سازند.»

روش توانمندسازی که با تکیه بر توان‌های بالقو ه حاشیه‌نشینان مطرح شده‌است بر این اصل استوار است که دولتها به عوض کمک‌های مستقیم و بلاعوض که شخصیت حاشیه‌نشینان و کرامت انسانی آنها را خدشه‌دار می‌سازد، می‌باید از طریق ارتقای سطح آموزش و ایجاد مهارتهای لازم و امکان دسترسی به ابزار کار و فعالیت‌هایی از این قبیل، زمینه‌های اشتغال و افزایش درآمد و بهبود سطح زندگی حاشیه‌نشینان و فقرای شهری را فراهم آورند.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

تبیین ریشه ها و علل حاشیه‌نشینی در ایران

حاشیه‌نشینی در ایران نتیجه منطقی روند پرشتاب افزایش جمعیت و به خصوص افزایش جمعیت شهری است، لیکن عوامل ساختاری که منجر به تفاوتهای سطح زندگی در شهر و روستا می‌شوند، نباید از نظر دور بمانند .این عوامل را می‌توان در سطوح مختلف ملاحظه نمود:

۱- **در سطح فراملی؛** برون‌زا بودن اقتصاد و وابستگی به نظام اقتصاد جهانی، هر چند با تحولات بعد از انقلاب، تلاش‌های موفقیت آمیزی در جهت کاهش این وابستگی به عمل آمده‌است.

۲-**در سطح ملی؛** عدم توجه کافی به نقاط روستایی و بخش کشاورزی در برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور در این مورد باید اشاره کنیم که در سالهای بعد از انقلاب اسلامی اقدامات اساسی زیادی در جهت خدمات رسانی به نقاط روستایی صورت گرفت، ولی به دلیل همراه نبودن این اقدامات با گسترش زمینه‌های اشتغال در نقاط روستایی و همزمان با آن، افزایش جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی در شهرهای بزرگ، روند مهاجرت روستاییان کماکان ادامه پیدا کرد.

۳- **در سطح محلی؛** با توجه به تاخیری که در موج شهرنشینی ایران نسبت به کشورهای غربی صورت گرفته‌است، مدیریت های شهری، تجربیات و ابزار علمی کافی برای مقابله با مشکلات شهری و از جمله حاشیه نشینی را نداشته‌اند اگر چه اقدامات موثری در سالهای بعد از انقلاب، جهت تقویت مدیریت‌ها و سازمان‌های شهری به عمل آمده‌است. لیکن به دلیل کافی نبودن این اقدامات از سویی و انتقال دائمی مشکلات روستایی به شهرهای بزرگ از سوی دیگر، مدیریت های شهری موفقیت چندانی کسب نکرده‌اند.

عوامل تاثیرگذار در تشدید پدیده حاشیه‌نشینی در ایران

طرحهای شهری

یکی از مهمترین نقاط عطف در تحول بازار زمین شهری که منجر به رشد و گسترش پدیده اسکان غیررسمی در برخی از شهرهای ایران شد، در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰، یعنی پس از آن رخ داد که در برنامه سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۱) در فصل عمران شهری برای نخستین بار به ضرورت تهیه طرح‌های جامع شهری با هدف تنظیم و پیش‌بینی توسعه زیربناهای شهری در قالبی منطقی اشاره شد. نتیجه آن، الزام به تهیه طرح‌هایی بود که بعدها با نام طرح‌های جامع و تفصیلی برای بسیاری از شهرها تهیه گردید.

قوانین زمین‌شهری

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ پیرو مطرح شدن ابعاد جدید حاشیه‌نشینی که قبل از انقلاب نیز به تنشهایی حاد انجامیده بود، دخالت دولت در امر زمین، که از سال ۱۳۵۴ آغاز شده‌بود، شکل قاطع‌تری به خود گرفت تا آنکه قانون زمین‌شهری در سال ۱۳۶۱ از تصویب گذشت. (اطهاری. ۱۳۸۲ .ص ۸) با تصویب این قانون محدودیت عرضه زمین در داخل شهرها از یکسو و انحصاری بودن اختیار واگذاری آن توسط دولت از سوی دیگر، عملاً دولت را به تدوین آئین نامه‌هایی برای چگونگی واگذاریها به متقاضیان و کنترل آنها ناگزیر می‌کرد. همین امر موجب می‌شد که برای عملی نمودن نحوه واگذاریها و سهل کردن امر کنترل آن، به ضوابطی متوسل شدند که عمدتاً به حذف برخی و منتفع شدن برخی دیگر منجر می‌شد .در این رابطه، متأسفانه کلید شرایط و ضوابط مصوب عملاً به کنار گذاشتن افرادی می انجامید که بیشتر از همه استحقاق دریافت، توجه به رسیدگی از سوی برنامه را داشتند. چنانکه موضوع تسلیم ضمانتنامه برای تضمین باز پرداخت اقساط زمین‌هایی که از سوی دولت در اختیار مردم قرار داده می شد، در شرایطی بود که امکان تأمین آن برای افرادی که در بخش غیر رسمی مشغول به کار بودند و یا اصلاً شاغل نبودند (بیکاران) وجود نداشت و به همین دلیل نیز چنین افرادی از دایره شمول اقدامات و تسهیلات برنامه بیرون مانده و امکان دریافت زمین از بازارهای رسمی کشور را که در انحصار دولت بود، از دست می‌دادند، اینجا ناگزیر زمین مورد نیاز خود را باید از بازار غیررسمی که معمولاً هم در خارج از محدوده‌های رسمی شهر قرار داشت، تأمین می‌کردند.

شهرهای جدید

شهرهای جدید هم نمونه دیگری از سیاست تبعیض آمیز در واگذاری زمین بر مبنای وضعیت شغلی افراد بود .طبق اسناد موجود، وزارت مسکن و شهرسازی ایجاد شهرهای جدید را فرصتی برای تأمین زمین برای کارمندان و کارکنان دولت اعلام کرد، با این دیدگاه که آنان توانایی تهیه زمین در بازار معلول زمین را ندارند، از این قرار، می‌بینیم به طور رسمی در یک سیاست‌گذاری مهم در حیطه توسعه شهری، عرصه زمین در شهرهای جدید عمدتاً برای شاغلین بخش‌های رسمی اعلام شده‌است. علاوه بر آن، در آئین‌نامه‌های اجرائی تدوین شده برای نحوه واگذاریهای زمین شهرهای جدید، شرط اصلی بر تشکل در تعاونیها قرار داده بودند، در حالی که از شرایط تشکیل در تعاونیها، شاغل بودن در بخش غیررسمی تعیین شده بود، که قطعاً برای شمار چشم‌گیری از سرپرستان خانوارها این شرط قابل احراز نبود و به این ترتیب از چنین فرصتی محروم می‌ماندند. مجموعه این عوامل، طرحهای شهری، قوانین زمین‌شهری و شهرهای جدید که به طور کلی ناشی از سیاست‌گذاریها و سرمایه‌گذاریهای کلان دولتی در امور شهرها می باشند، سبب شکل‌گیری مناطق اسکان غیررسمی و

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

گسترش آن حتی در سالهای اخیر در برخی از شهرهای میانی و کوچک گردیده‌است. باید در نظر داشت که هر چند از نظر کمی گسترش و رشد مناطق اسکان غیر رسمی قابل توجه بوده، با این حال وضعیت و ابعاد کیفی سکونتگاه‌های غیررسمی در مقایسه با دیگر کشورهای جهان به ویژه کشورهای جنوب، به شدت و حدت این کشورها نیست. نسبت سکونتگاه‌های غیررسمی در کشورهای جنوب به ۵۰ ٪ جمعیت شهرها می‌رسد، در حالی که در کشور ایران این نسبت تنها نه درصد ساکنین شهری را تشکیل می‌دهد .همچنین سازندگان مسکن غیررسمی در ایران به ندرت به تصرف بدون پرداخت بهای زمین اقدام می‌کنند و غالباً زمین را از بازار غیررسمی تهیه می‌کنند. (اطهاری، ۱۳۴۷ ، ص ۴۲)

زمینه‌های توجه به پدیده حاشیه‌نشینی در نظام شهرسازی کشور

طرح‌ریزی مدیریتی کلانشهرها

در سال ۱۳۷۴ هیات وزیران به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی به منظور امکان ایجاد نظام برنامه‌ریزی واحد برای شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ، چارچوب طرح‌ریزی و مدیریت مجموعه شهری و شهرهای اطراف آن را به تصویب می‌رساند. در واقع این مصوبه برخاسته از این نگرش بود که برخی معضلات کلانشهرها و از جمله ساختیابی اسکان غیررسمی ناشی از فقدان نظام کارآمد نظارتی است.

تشکیل سازمان عمران و بهسازی شهری

نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ را می توان سرآغاز مشارکت و توجه سازمان عمران و بهسازی شهری (وزارت مسکن و شهرسازی) به احیای بافتهای فرسوده و ناکارآمد شهری و از جمله اسکان غیررسمی دانست. طرح پژوهشی حاشیه اهواز از نخستین طرح‌های امکان‌سنجی برای بهسازی و مداخله در بافتهای شهری محسوب می‌شود، که در حد توصیف وضعیت نابسامان این محله متوقف می‌شود.

مشارکت بانک جهانی

حضور و مشارکت بانک جهانی مبتنی بر برنامه‌ریزیهای از پیش تعیین شده در زمینه ساماندهی اسکان غیررسمی نبود، بلکه حاصل بازدید هیاتی از این بانک از پروژه محله بابائیان زاهدان و پذیرش طرفین گفتگو برای ادامه همکاری بود. همکاری با بانک جهانی در چارچوب پروژه بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن تدوین شده و دارای دو بخش بهسازی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و ظرفیت‌سازی برنامه راهبردی مسکن در سطح ملی است.

تدوین سند توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی

گسترش اسکان غیررسمی در کشور، تهیه و تصویب سندی را در دستور کار قرار داد که می‌بایست
چارچوب و نحوه فعالیت بخش دولتی و مشارکت مردمی را در ساماندهی اسکان غیررسمی مشخص کند.
از طرفی تدوین چنین سندی برای پشتیبانی قوانین و مقررات لازم در جهت فعالیت قانونی و ضابطه‌مند دستگاههای دست‌اندرکار در اسکان غیررسمی ضروری بود. در سال ۱۳۸۱ سازمان عمران و بهسازی شهری، طی قراردادی از محل منابع داخلی خود، تهیه و تدوین این سند را در دستور کار قرار داد.

بنابراین با هدف سیاست‌گذاری کلان در امر ساماندهی و بهسازی این سکونتگاه‌ها به پیشنهاد مشترک سازمان عمران و بهسازی شهری وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشور سندی تحت عنوان "سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی" به هیات دولت ارائه شد. اهداف کلان سند حاضر اهداف زیر را مد نظر دارد:

- بسترسازی برای ارتقای شرایط محیطی به نحوی پایدار و فراگیر در جهت رشد سلامتی، امنیت، امید، ایمان و کرامت انسانی در سکونتگاه های غیررسمی موجود.
- پیش نگری به گسترش اسکان غیررسمی در آینده و زمینه سازی برای احداث مسکن مناسب، خدمات پایه و زیربناها در حد استطاعت و دسترسی گروه‌های کم درآمد در فضای رسمی شهری.
- زمینه سازی برای بهره مندی از امتیازات شهری و تعمیق فرهنگ شهری برای ساکنان این سکونتگاه‌ها به همراه مشارکت همه جانبه آ نها در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات محلی.

طرح بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن[۷]

هدف این برنامه ایجاد اصلاحات در بخش مسکن بر پایه بازار و بهبود شرایط زندگی در مناطق حاشیه‌نشین واقع در مراکز استانهای هرمزگان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، کردستان، و آذربایجان شرقی است که وجه مشترک تمامی این سکونتگاه‌ها محرومیت آنها از خدمات شهری و سکونتی است. ۵این طرح رسما در تاریخ ۲۴ مهرماه ۱۳۸۳ (شانزدهم اکتبر ۲۰۰۴) آغاز به کار کرد.

[۷]. پنج شهر مورد مطالعه طرح بهسازی شهری؛ بندرعباس، زاهدان، کرمانشاه، تبریز و سنندج میباشد.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

طرح‌های امکان‌سنجی ساماندهی و توانمندسازی

این طرح‌ها با تاکید بر دیدگاه شهرنگر یا به عبارت دیگر ساماندهی محله‌های فرودست در مقیاس کل شهر و برگرفته از طرح بانک جهانی تحت عنوان «راهبرد توسعه شهری» [۶] است.

به این معنا که می‌بایست تمامی محله‌های فرودست شهری یا فقیرنشین در شهر مورد نظر شناسایی شوند و سپس بر اساس اولویت طرح‌های ساماندهی، به‌صورت منفرد بلکه به مثابه بخشی از هدف عمومی نیل به شهری مولد و فراگیر از حیث اجتماعی مداخله‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی تعریف شوند .شهرهای زاهدان، کرمانشاه و بندرعباس از جمله شهرهایی بودند که در سال ۱۳۸۱ قراردادهای آن به امضاء رسید..

شاخص‌های پدیده اسکان غیررسمی در تبریز

-کالبدی

در این سکونتگاه‌ها با توجه به اساس غیرقانونی آنها، سطح خدمات عمومی و تاسیسات شهری کمتر از مقدار کافی و حتی کمتر از حداقل های لازم می باشد.

-اجتماعی

اغلب ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی جزء طبقات پایین و محروم جامعه‌اند و از درآمد ناچیزی برخوردارند. آنها دارای مشاغل کاذب غیرتولیدی (دست‌فروش، دوره‌گرد و ...) و یا به‌صورت کارگران روز مزد و یا در بخشهای غیررسمی کار می‌کنند.

- قانونی

در واقع مهمترین ویژگی که مناطق حاشیه‌نشین را از دیگر سکونتگاه‌ها متمایز می‌سازد، این است که ساکنان این سکونتگاه‌ها عمدتا فاقد مالکیت رسمی زمینی هستند که خانه خود را در آن ساخته‌اند.

مدیریت شهری و رویکرد شهرداری تبریز و مسئولین در مواجه با اسکان غیررسمی

مدیریت شهری موظف است با درک موقعیت حقوقی خود و با شناخت وضعیت این سکونتگاهها, بدون پیش زمینه منفی نسبت به این سکونتگاه ها برای بهبود آنها تلاش نماید. این نکته قابل توجه است پاره ای از اندیشمندان این محله‌ها را نتیجه بی‌توجهی برنامه‌ریزان شهری به اقشار کم درآمد می‌دانند.

از آنجا که اسکان غیر رسمی نهایتاً مسئله ای محلی به شمار می‌رود، شهرداری با عنوان نهادی غیردولتی و عالی‌ترین وعمده‌ترین مرجع مدیریت شهری، اصلی‌ترین نقش را در روند توانمندسازی خواهد داشت .از اینرو شهرداریها باید با ابتکاراتی متفاوت از گذشته برای بگارگیری بهینه مشارکت و منابع درونی این اجتماعات اقدام کنند.

عمده‌ترین مشکلات پهنه‌های حاشیه‌نشین در زمینه مدیریت شهری عبارتند از:

- عدم به رسمیت شناختن مناطق حاشیه‌نشین ازسوی مدیریت شهری و دستگاههای اجرایی ذیربط
- تعدد مراکز تصمیم گیری به تبع دخیل بودن سازمان ها و ادارات مختلف در توسعه و عمران پهنه‌های حاشیه‌نشین
- عدم توجه مدیریت شهری و دستگاههای اجرایی به شرایط خاص کالبدی، اقتصادی و اجتماعی پهنه‌ها به ویژه در هنگام محاسبه و اخذ عوارض ارائه خدمات و تسهیلات شهری
- بدبین شدن مردم به مدیران شهری و دستگاههای اجرایی به ویژه شهرداری و استانداری به دلیل خلف وعده‌های مکرر انها

رویکرد شهرداری تبریز و مسئولین در مواجهه با اسکان غیررسمی

افزایش روزافزون جمعیت و گسترش جغرافیایی تبریز در کنار عدم توازن توسعه شهری باعث شده تاهم‌اکنون بیش از ۴۵۰هزار نفر حاشیه‌نشین بصورت کاملا نامناسب، در خانه‌هایی غیرایمن در این کلانشهرزندگی کنند.

مقایسه این آمار نزدیک به نیم میلیون نفری که توسط شهردار تبریز ارائه شده با جمعیت یک و نیم میلیون نفری این شهر، نشان می‌دهد که یک سوم جمعیت تبریز در مناطق حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند و بی شک این معضل باید به‌صورت جدی پیگیری شده و رفع شود.

با توجه به اسکان درصد بالایی از شهروندان در این مناطق شاید بتوان گفت که ادغام واقعی نواحی حاشیه‌نشین در درون نظام‌های شهری یکی از راه حل‌هایی است که می‌تواند مدل‌های بهسازی و ساماندهی حاشیه‌نشینی را به‌صورت مطلوب اجرا کند و شهر را از چنگ این معضل رهایی بخشد.

---

[6] . City Development Strategy

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

طبق نظر مسئولین محلی اساسی‌ترین مشکل در رابطه با ساماندهی پهنه های حاشیه نشین و اجرای پروژه های شهرسازی بحث تملک است، اگر این بخش حل شود برای شهرداری از نظر اجرا مشکل وجود ندارد.در این خصوص ابتدا شهرداریها لازم است اعتمادسازی نمایند. مردم عملکردها را ببینند و بعد اعتماد نمایند.لازم است شهرداری از طریق شوراهای اسلامی شورایار ایجاد نماید. با این شورایارها ارتباط با مردم سهل می‌شود. در خصوص ارائه خدمات در محلات هدف اصلی ترین مانع قانونی عدم وجود سند مالکیت منازل است. وقتی سند نباشد از نظر اجرای طرحها نیز فاقد کاربری رسمی هستند. بنابراین لازم است هماهنگی و تعاملی بین شهرداری و اداره ثبت در خصوص به رسمیت شناختن اسناد منازل این مناطق صورت گیرد تا این مناطق کاربری مسکونی پیدا نمایند. در مناطقی که نیاز باشد کاربری های عمومی نیز در نظر گرفته می‌شود. در جهت ظرفیت سازی شهرداریها، تخصیص اعتبارات استانی و ملی به منظور اصلاح بافت حاشیه نشین و نیز واگذاری اراضی ملی جهت جابجایی منازل موثر خواهد بود. و نیز تجهیز منابع آموزشی و افزایش مهارتهای فنی و تخصصی شهرداریها از طریق نهادهای فرادست لازم به نظر می‌رسد.

دستگاههای اجرایی با شهرداری تبریز در رفع معضل حاشیه‌نشینی همکاری لازم را نمی‌کنند. و برای حل این معضل احساس وظیفه نمی‌کنند و با شهرداری تعاملی ندارند.

همه مسئولان شهری در ساماندهی وضعیت حاشیه نشینی در تبریز مسئولند و انتظار می‌رود همه دستگاههای عمرانی از قبیل استانداری، فرمانداری و اداره کل راه و شهرسازی در این خصوص به شهرداری تبریز کمک کنند.

لازم است رسانه‌ها در مورد خطراتی که مناطق حاشیه‌نشین و ساکنان آن را تهدید می‌کند، اطلاع‌رسانی کنند. شهرداری تبریز برای حل معضل حاشیه‌نشینی عزم جدی دارد ولی برخی از مدیران ادارات همکاری لازم را نمی‌کنند.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر ابزارهای گردآوری اطلاعات شامل (مراجعه به کتابخانه، مراجعه به دانشگاهها، مراجعه به شهرداری منطقه و بررسی اسناد دولتی، کتابها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها، مجلات علمی، امارنامه‌ها، تهیه وبررسی نقشه‌ها و طرح‌های مربوط به منطقه مورد نظر، مصاحبه با افراد صاحب فن، عکسبرداری، بررسی‌های محلی وکار میدانی درسطح محلات مورد نظر، فیش برداری وجمع آوری اطلاعات، استفاده ازرایانه، پرسشنامه و..) می‌باشد. پیمایش در سطح ۳۸۲ خانوار نمونه انجام شده‌است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این تحقیق از روش تجزیه وتحلیل کیفی استفاده شده‌است.

درتجزیه وتحلیل داده‌های کیفی، درواقع تنها روش وموثرترین روش تجزیه وتحلیل، تجزیه تحلیل منطقی وعقلانی است.

در این تحقیق با توجه به ماهیت توصیفی وکاربردی بودن تحقیق بیشتر از روش استدلال و تحلیل عقلانی و روش تجزیه و تحلیل توصیفی، ودر صورت لزوم از روش های آماری استفاده شده و اطلاعات جمع‌اوری شده با استفاده از نرم افزار spss مورد تحلیل قرار گرفته‌است. حجم نمونه برای تهیه پرسشنامه ۳۸۲ نفر است. همچنین از نرم افزار Gis برای تهیه برخی نقشه‌ها استفاده شده‌است.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

یافته‌ها

ازمون فرضیات

فرضیه اول

- مهمترین عامل شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی شمال تبریز مهاجرت‌های روستا - شهری بوده‌است.

- نتایج تحقیق حاضر نشان داد که مهاجرت‌های روستا - شهری مهمترین عامل رشد شهری در تبریز بوده‌است. به‌طوریکه در یک دورهٔ چهل سالهٔ (۷۵-۱۳۳۵) حدود۵۴/۶ ٪ افزایش جمعیت شهر تبریز مربوط به مقولهٔ مهاجرت می‌باشد. (مرکز آمار ایران -نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن دوره های۷۵-۱۳۳۵)

- همچنین در بررسی عوامل سه گانه افزایش جمعیت شهر تبریز (رشد طبیعی، مهاجرت، گسترش فیزیکی شهر) در طول دوره ۷۵-۱۳۴۵حاکی از آن است که در دهه ۷۵-۱۳۶۵ بیشترین میزان افزایش جمعیت تبریز با۵۷/۷ ٪ ناشی از مهاجرت بوده‌است. (قربانی، ۱۳۸۳، ص ۹۸ و عظیمی، ۱۹۹۵، ص ۱۰۷)

- تعمق بیشتر در مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که حدود۷۲/۵ ٪ حاشیه‌نشینان تبریز منشاء روستایی دارند و عمدتا از شهرستانهای اهر، ورزقان و هریس روانه تبریز شده‌اند.(حسین‌زاده دلیر، ۱۳۶۸،ص ۱۴)

- این مهاجرین که به لحاظ ضعف بنیه‌های اقتصادی، فقدان مهارت‌های حرفه‌ای و ناآشنائی با فرهنگ سوداگرایانه شهرهای بزرگ نتوانسته‌اند جایگاه مطلوبی برای خود پیدا نمایند، در نهایت با استقرار در نواحی نامناسب و بالقوه خطرناک و دامنهٔ ارتفاعات به رواج حاشیه‌نشینی و توسعهٔ فیزیکی ناموزون و بی‌قوارهٔ شهر تبریز دامن‌زده و با استقرار در محلات فقیرنشین موجبات گسترش بدمسکنی و ظهور دوگانگی یا چندگانگی در اجتماعات شهری را فراهم آورده‌اند.

برای بررسی این فرضیه از ازمون همبستگی پیرسون استفاده شده و جدول زیر به دست امده‌است.

جدول۲- آزمون فرضیه اول از طریق ضریب همبستگی پیرسون

گسترش مناطق حاشیه‌تشین	ازمون	متغیر
۰/۹۴۰	Pearson correlation	مهاجرت‌های روستا - شهری
۰/۰۰۰	Sig.(2-tailed)	سطح معنی‌داری
۳۸۲	N	تعداد

با توجه به مقدار ضریب همبستگی (۰/۹۴۰) به‌دست امده و با عنایت به اینکه سطح معنی‌داری کمتر از ۵٪ است، می‌توان گفت که بین دو متغیر همبستگی وجود دارد، اما این رابطه بسیار قوی و به صورت مثبت و مستقیم است. در واقع همزمان با افزایش مهاجرت های روستایی، مناطق حاشیه نشین شهر تبریز گسترش پیدا می‌کند و در نتیجه فرضیه مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه دوم

- رابطه معناداری بین جاذبه‌های اقتصادی کلانشهر تبریز با گسترش حاشیه‌نشینی وجود دارد.

- بررسی ساختار اقتصادی اجتماعی و نظام استقرار کانون‌های زیستی و زیربناهای استان آذربایجان شرقی بیانگر نقش ماکروسفالی(بزرگ‌سری)، تمرکز و قطبی بودن جمعیت، فعالیتها و تاسیسات در جلگه تبریز و پیرامون محورهای منتهی به شهر تبریز است.

- طی چهل سال گذشته این شهر به علت مرکزیت در اقتصاد ناحیهٔ آذربایجان، احداث کارخانه‌های صنعتی متعدد و توسعه بخش صنعت در این منطقه به‌عنوان یکی از قطب‌های صنعتی کشور، با بازار بسیار قدرتمند تبریز، دانشگاه‌ها و دیگر مراکز آموزش‌عالی و تربیت معلم، امکانات بهداشتی و درمانی و بسیاری دلایل اقتصادی و اجتماعی دیگر، مهمترین نقطهٔ مهاجرپذیر ناحیهٔ آذربایجان بوده است.

- تمرکز بیش از حد جمعیت در شهر تبریز و تشکیل و گسترش محلات حاشیه‌نشین در جهات مختلف شهر از جمله تنگناهای شهر به شمار می‌آید .به‌طوریکه از جمعیت ۱/۶ میلیون نفر تبریز حدود ۴۰۰ هزار نفردر مناطق حاشیه‌نشین استقرار یافته‌اند. جدول زیر نتایج سنجش این فرضیه را نشان می‌دهد.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

جدول ۳- آزمون شاخص‌های جاذبه‌های اقتصادی شهر

شاخص	فراوانی داده‌های مشاهده‌شده					مبانگین	درجه آزادی	Chi-square	درجه معناداری Asymp.sig.
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم				
دستیابی به شغل بهتر	۶۴	۳۲	۴	-	-	۴/۶۲	۳	۱۹۰/۱۰	۰/۰۰۰
ارزانی زمین و خانه	۷۲	۲۸	-	-	-	۴/۷	۳	۶۴/۳۹	۰/۰۰۰
درامد بیشتر	۸۳	۱۷	-	-	-	۴/۸	۳	۱۳۴/۳۶	۰/۰۰۰
امکانات اموزشی	۱۶	۳۶	۳۵	۱۲	-	۳/۱۹	۳	۶۰/۰۶	۰/۰۰۰
امکانات رفاهی	۳۵	۵۰	۲	۱۱	-	۴/۰۹	۳	۱۸۸/۰۳	۰/۰۰۰
نزدیکی به محل کار	۴۷	۳۳	۱۸	۱	-	۴/۲۶	۳	۱۵۰/۶۷	۰/۰۰۰

بر اساس جدول شماره۳، همه شاخص‌های مربوط به جاذبه‌های اقتصادی شهر، معنی دار بوده وبر حاشیه‌نشینی تأثیر داشته‌است.
علاوه برسطح تفکیک شاخص‌ها و معنی‌دار بودن آنها، درسطح دیگری نیز شاخص‌های جاذبه‌های اقتصادی شهر از طریق آزمون تک متغیره خی ^{۲} (x^2) برای تأیید یا رد فرضیه استفاده شد و نتایج زیر حاصل شد:

جدول ۴- آزمون فرضیه دوم از طریق خی ^{۲} (x^2) تک‌متغیره

متغیر	کای‌اسکویر (x^2) Chi-square	درجه ازادی (df)	سطح معنی‌دار Asymp.sig.
جاذبه‌های اقتصادی شهر	۳۳/۱۲۵	۳	۰/۰۰۰

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد مقدارکای‌اسکویر(x^2) برابر با ۳۳/۱۲۵، درجه ازادی برابر با ۳ و سطح معنی‌دار برابر با ۰/۰۰۰ است بنابراین، با توجه به مقدار(x^2) و سطح معناداری آن می‌توان نتیجه گرفت «بین جاذبه‌های اقتصادی شهر با حاشیه‌نشینی رابطه معناداری وجود دارد. »تأیید می‌گردد.

فرضیه سوم

- بین عدم نظارت مناسب سازمان‌های متولی مرتبط با زمین‌شهری و گسترش حاشیه‌نشینی در منطقه شمال تبریز رابطه معناداری وجود دارد.

زمین‌شهری بستر فضاهای شهری، دربر گیرنده انسان، فعالیتهای انسانی و دیگر زیر سیستم‌های شهری است و می‌تواند به یکی از دو وضعیت عمده زیر وجود داشته باشد.

الف- زمین در مصارف و کاربری‌های گوناگون نظیر کاربری‌های مسکونی، آموزشی، تولیدی، تجاری، تفریحی و...

ب- زمین‌های بایر که این زمین‌ها از دید برنامه‌ریزی‌های کاربرد اراضی و یا توسعه شهری ،یا مستعد توسعه هستند و یا فاقد چنین پتانسیلی می‌باشند.

بالا بودن سطح سرانه زمین‌شهری و به تبع آن پایین بودن تراکم نفر در هکتار، در شهرهای ایران عمدتاً ناشی از مسائل و مشکلاتی است که در توسعه بی رویه شهرها و عوامل و مسائلی از این دست رخ می‌دهد، از جمله وجود نظام نامتعادل سلسله مراتب شهری و ناموزون بودن هرم جمعیتی شهرها ،که مهمترین عامل در ایجاد عدم تعادل عرضه و تقاضای زمین به حساب می‌آید. طبیعی است که در شهرهای پرجمعیت،تقاضا بسیار زیاد و عرضه محدود است. در شهرهای کم جمعیت وضعیت کاملاً برعکس است از طرفی افزایش شتابان جمعیت شهری در بسیاری از نقاط کشور، همراه با گسترش شهرها در شکل توسعه افقی و اسکان غیررسمی که رشدی بیش از رشد اقتصادی معمول دارند. چنین امری هرنوع طرح عمرانی، از جمله طرح‌های کاربری زمین را از درجه اعتبار ساقط می‌کند و باعث ایجاد بازار غیررسمی زمین (به‌خصوص در حاشیه شهرها) می‌گردد که خود مسائل و مشکلات خاصی را در زمینه گرفتن سند رسمی، تولید مسکن و سایر فعالیتهای شهری را به همراه دارد. و نیز تفکیک‌های غیرمجاز و فروش غیر قانونی بسیاری از اراضی شهری، قبل از تملک اجباری زمین‌ها به وسیله دولت (مبتنی بر قانون اراضی

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

شهری) و تبعات فاسد این موضوع در دوایر اداری مختلف، مانند شهرداری‌ها، ادارات آب و برق و ... طی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱ رایج بوده و تاثیرات این فعل وانفعالات درقالب مشکلات حقوقی در بسیاری از شهرها هنوز به چشم می‌خورد.و نیز فقدان بسترهای قانونی مناسب برای دخل و تصرف یا هدایت روند تغییر و توسعه در بافت‌های فرسوده و مسئله‌دار شهرداری، نتایج مرتبط بر چنین وضعی باعث ایجاد تراکم جمعیت پایین در مراکز شهری و سپس گسترش‌های حاشیه‌ای می‌گردد. در عین حال عدم هماهنگی بین دستگاه‌های تهیه‌کننده و تصویب‌کننده طرح‌های کاربری اراضی شهری با دستگاه مجری یا شهرداریها و شورای شهرو همکاری نکردن آنها با یکدیگر در جریان تهیه طرح و هم چنین فقدان منابع و تجهیزات کافی، از جمله اعتبارات مالی و نیروی انسانی لازم در شهرداریها و دستگاههای اجرایی به منظور اجرای مصوبات طرح جامع. این موضوع که صرفاً ناشی از عدم هم‌خوانی طرح جامع و امکانات موجود است،باعث می گردد که زمان بهره‌برداری از زمین سال‌ها به تعویق افتد و در نتیجه زمین به‌صورت رهاشده و بی‌استفاده درآید.

در گذشته مهمترین سازمان متولی زمین‌های شهری،سازمان ملی زمین و مسکن بوده‌است. اما در حال حاضر شهرداری‌ها مهمترین سازمان متولی زمین‌های شهری می‌باشند، علاوه بر شهرداری‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی چون شورای‌شهر،وزارت‌کشور، وزارت‌مسکن‌وشهرسازی، شورای‌عالی‌شهرسازی‌ومعماری‌ایران، وزارت‌نیرو و سایر سازمان‌های مرتبط ذکر شده نقش اصلی در کنترل زمین‌شهری را بر عهده دارند و اگر هریک از این سازمان ها به دستورالعملها و وظایف خود به صورت دقیق و کامل عمل می‌نمودند معضل حاشیه‌نشینی در کلانشهرهایی چون تبریز تا این حد جدی و بزرگ نمی‌شد. با توجه به موارد ذکر شده و نیز با توجه به جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه که توسط برخی از مسئولین و صاحب نظران در این زمینه و نیز برخی از ساکنان محلات حاشیه‌نشین مورد مطالعه در این تحقیق جواب داده شد و از تجربه و تحلیل آنها درصدهای زیر به‌دست آمد و مشخص گردید که عواملی چون:قیمت پایین زمین۵۷٪ ،مالکیت خصوصی(تفکیک غیرمجاز و فروش غیرقانونی زمین)۲۳٪، شرایط سخت اداری برای اخذ پروانه ۴٪ (اکثر ساکنین اصلاً به گرفتن پروانه اعتقادی ندارند)، نبود درآمد کافی برای اخذ پروانه ۴٪، مالکیت برخی از سازمان‌ها و نهادهایی که خواسته‌های آنها با اهداف شهرداری در استفاده از زمین متفاوت می‌باشد۱۲٪ از جمله مهمترین دلایل گسترش حاشیه‌نشینی بوده که به‌همراه عدم نظارت مناسب سازمان‌های متولی زمین‌شهری باعث گسترش روز افزون حاشیه‌نشینی شده‌است. بدین ترتیب با توجه به نتایج به دست آمده این فرضیه اثبات می‌شود.

نتیجه گیری

حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که مفاهیم و اشکال پدیده فقر را شامل می‌شود. در حالی‌که خود فقر نیست، حاشیه‌نشینی برآیندی از همه نابرابری‌هاست که در فضای دو قطب اقتصادی - اجتماعی شهری و روستایی کشورها و بویژه کشورهای درحال‌توسعه به وقوع پیوسته، رشد نموده و اثرگذاشته‌است. جمع‌بندی نتایج پژوهش حاضر نشان دهنده وجود مشکلات و امکانات متعددی در پهنه حاشیه‌نشین منطقه یک و۱۰ تبریز در زمینه‌های مختلف کاربری زمین، اجتماعی - اقتصادی، مسکن، طبیعی و محیط زیست، ساختارکالبدی و سیمای شهری، حمل و نقل و مدیریت شهری و مشارکت می‌باشد. بررسی مشکلات و امکانات مزبور بیانگر آن است که شمار زیادی از آنها به دلیل عمومیت پدیده حاشیه‌نشینی در پهنه مورد بررسی و تبلورات عینی این پدیده، قرابت و تشابه زیادی با یکدیگر دارند.

براساس سوالات تحقیق که شامل موارد زیر است به بیان نتایج تحقیق می‌پردازیم:

- رویکرد طرح‌های توسعه شهری تبریز در رابطه با برنامه‌ریزی و ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین به چه صورت بوده‌است؟
- پیشنهادات طرح جامع اول برای رفع این چالش عبارتند از: توسعه شهر در جهت شمالی، ایجاد واحدهای مسکونی ارزان، قیمت نوسازی محلات
- در طرح جامع دوم تعدیل تراکم جمعیتی و ساختمانی محلات هدف ورساندن ان به میانگین‌های شهری توصیه شده و در نقشه کاربری اراضی پیشنهادی، بخشهای شمالی‌تر محلات به‌عنوان مناطق غیر قابل ساخت‌وساز نشان داده شده وبخش‌های جنوبی‌تر کاربری مسکونی نشان داده شده‌است.
- عملکرد مدیریت شهری کلانشهر تبریز در مواجهه با پدیده حاشیه‌نشینی به چه صورت بوده است؟
- طبق نظر مسئولین محلی اساسی‌ترین مشکل در رابطه با ساماندهی پهنه‌های حاشیه‌نشین و اجرای پروژه‌های شهرسازی بحث تملک است،.در این‌خصوص ابتدا شهرداریها لازم است اعتمادسازی نمایند. و از طریق شوراهای اسلامی شورایار ایجاد نماید. با این شورایارها ارتباط با مردم سهل‌می‌شود. در خصوص ارائه خدمات در محلات هدف اصلی‌ترین مانع قانونی عدم وجود سند مالکیت منازل است.بنابراین لازم است هماهنگی و تعاملی بین شهرداری و اداره

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

ثبت در خصوص به رسمیت شناختن اسناد منازل این مناطق صورت گیرد تا این مناطق کاربری مسکونی پیدا نمایند. در مناطقی که نیاز باشد کاربری‌های عمومی نیز در نظر گرفته می‌شود. دستگاه‌های اجرایی با شهرداری تبریز در رفع معضل حاشیه‌نشینی همکاری لازم را نمی‌کنند. و برای حل این معضل احساس وظیفه نمی‌کنند و با شهرداری تعاملی ندارند.

- مهاجرت‌های روستا - شهری به چه میزان در گسترش حاشیه‌نشینی تاثیر دارند؟
- مهاجرت‌های روستا - شهری مهمترین عامل رشد شهری در تبریز بوده‌است. این مهاجرین که به لحاظ ضعف بنیه‌های اقتصادی، فقدان مهارتهای حرفه‌ای و ناآشنائی با فرهنگ سوداگرایانه شهرهای بزرگ نتوانسته‌اند جایگاه مطلوبی برای خود پیدا نمایند، در نهایت با استقرار در نواحی نامناسب و بالقوه خطرناک و دامنهٔ ارتفاعات به رواج حاشیه‌نشینی و توسعهٔ فیزیکی ناموزون و بی‌قوارهٔ شهر دامن می‌زنند.
- عوامل اقتصادی چه تاثیری بر حاشیه‌نشینی دارد؟
- جاذبه‌های اقتصادی شهر تبریز به علت مرکزیت در اقتصاد ناحیهٔ آذربایجان و دافعه‌های اقتصادی شهرهاو روستاهای اطراف موجب تمرکز بیش از حد جمعیت در شهر تبریز و تشکیل و گسترش محلات حاشیه‌نشین می‌شود.
- چه راهبردها و راهکارهایی برای حل مشکل اسکان غیررسمی در منطقه یک و۱۰شهر تبریز وجود دارد؟

از بین راهکارهای ارائه شده برای مقابله با سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین، بهترین گزینه برای شهر تبریز، رویکرد«توانمندسازی» است، این راهبرد از جنبه‌های منفی کمک به افراد فاقد مسکن (مانند احساس حقارت دریافت‌کنندگان کمک‌ها) می‌کاهد. این رویکرد برای جمعیت‌های به سرعت در حال رشد و برنامه‌های با مقیاس وسیع می‌تواند جوابگو باشد.

منابع و مراجع

- اسماعیلیان. زهرا (۱۳۸۰)؛ تحلیل جغرافیائی نماگرهای فضائی -کالبدی متروپلیتن تبریز با تأکید بر توسعهٔ درونزا وپایدار. رسالهٔ کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامهریزی شهری. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. دانشگاه تبریز.

اصغری زمانی . اکبر(۱۳۷۹)پژوهشی در روند حاشیه نشینی ایران . مطالعه موردی تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز. نسخه ۱و۲.

- بابایی اقدم. فریدون(۱۳۸۶) تحلیل الگوهای فضایی حواشی شهری. مطالعه موردی شهر تبریز ؛ پایان نامه دکتری.
- بررسی وضعیت ساختار شهر تبریز و موضوع ساخت و سازهای غیر رسمی در شهر تبریز. مجری طرح سازمان مسکن شهرسازی تبریز.
- پارساپژوه. سپیده (۱۳۸۳)؛ نگرشی از درون به پدیده حاشیه نشینی. مطالعه موردی اسلام آباد کرج. تهران. فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ششم. انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- پور محمدی. محمدرضا (۱۳۸۲)؛ بررسی وضعیت مسکن در کلان شهر تبریز و مراغه. معاونت عمرانی استانداری آذربایجان شرقی. تبریز.
- پیران. پرویز (۱۳۶۶)؛ شهرنشینی شتابان و ناهمگون. آلونک نشینی در شهران. مجله اطلاعات سیاسی – اقتصادی. شماره های ۱. ۳. ۴. ۵. ۷.
- پیران. پرویز (۱۳۷۳)؛ آلونک نشینی در ایران؛ دیدگاههای نظری. با نگاهی به شرایط ایران. اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره ۸۷ و ۸۸.
- پیران. پرویز (۱۳۶۸)؛ شهرنشینی شتابان و ناهمگون. مسکن نابهنجار. مجله اطلاعات سیاسی -اقتصادی. شماره ۴
- پیران. پرویز (۱۳۷۴)؛ آلونک نشینی در ایران. اطلاعات سیاسی -اقتصادی. شماره۹۵ و ۹۶.
- پیران. پرویز(۱۳۶۷)؛ آلونک نشینی در تهران. شهرنشینی شتابان و ناهمگون. اطلاعات سیاسی -اقتصادی. شماره ۲۰ و ۲۱.
- پیران. پرویز(۱۳۶۸)؛ آلونک نشینی در تهران. اطلاعات سیاسی -اقتصادی. شماره ۲۲.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

- حاج یوسفی. علی (۱۳۸۱)؛ حاشیه نشینی و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی) فصلنامه هفت شهر. شماره هشتم. تهران. انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری.
- حسین زاده دلیر. کریم(۱۳۶۱) حاشیه نشینان تبریز. دانشگاه تبریز.
- حسین زاده دلیر، کریم. (۱۳۶۱). تبریز بزرگ. نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. دانشگاه تبریز. سال اول شماره۲.
- حسین‌زاده‌دلیر. کریم (۱۳۷۴). *تبریز بزرگ. یک منطقه شهری برای برنامه‌ریزی و طراحی*. نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز. زمستان ۱۳۷۴ شماره ۲: ۱۸-۱.
- حسین زاده دلیر، کریم. (۱۳۷۵). تکنیکها و اصول برنامه ریزی شهری. دانشگاه تبریز .
- حسین زاده دلیر. کریم(۱۳۷۵) عوامل ساماندهی مکان. دانشگاه تبریز.
- خانلو. منصور(۱۳۶۴)تبریز قدیم از کهن‌ترین ایام تاکنون. چاپ اول. تبریز: انتشارت تلاش.
- خوب آیند. سعید(۱۳۸۴)؛ تحلیل فضایی علل شکلگیری حاشیه‌نشینی در شهر اصفهان. رساله دکتری در رشته جغرافیا. دانشگاه اصفهان.
- زاهد زاهدانی . سعید (۱۳۸۴)حاشیه نشینی . انتشارات دانشگاه شیراز.
- قربانی. رسول (۱۳۸۳)؛ تراکم و ساماندهی فضاهای شهری. رساله دکتری در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری. به راهنمایی دکتر محمدرضا پورمحمدی. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. دانشگاه تبریز.
- هادیزاده بزاز. مریم (۱۳۸۴)؛ حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان. مشهد. انتشارات آذر برزین.

- Repiso, Luciana Inés (2004), “National University of Cordoba Heritage”, Tourism and Sustainability: An Archaeological Park as a Tool for Local Sustainable Development.
- Spennemann, H. R. Dirk (2001), “Heritage Eco-Tourism in Micronesia Expectations of Government Officialsv”.
- Srinivas, H(1999); Defining Squatter Settelments, Urban Squatters and Slums, available at http://www. gdrc. org/uem/squatters/define-sguatter. html.
- UN Habitat(2003); The Challenge of Slums, Global Report on Human settlement.